طی ۱۰ سال، نرخ فقر در مناطق شهری ۶۰ درصد رشد داشته است

بازگشت ایرانیان به زندگی با استانداردهای ۲۰ سال پیش

ریحانه جولایی

در سال‌های اخیر به‌ویژه امسال هر کدام از ما که با حقوق کارمندی یا درآمدهای متوسط زندگی می‌کنیم به‌نوعی طعم فقر را چشیده‌ایم. قدرت خریدمان پایین آمده است و بهتر است از پس‌انداز کردن و آینده‌نگری صحبتی نکنیم چراکه اگر هنر کنیم بتوانیم حقوقمان را به‌نحوی تنظیم کنیم که آخر ماه از کسی قرض نگیریم؛ به‌قول معروف پول پس‌انداز کردن پیشکشمان باشد.

افزایش درآمد و ارتقای رفاه اجتماعی در زمره مهم‌ترین هدف‌های کلان نظام‌های برنامه‌ریزی در جهان است. در این راستا، غلبه بر فقر و توزیع عادلانه درآمدها و برخورداری همگانی از مواهب توسعه، ضرورت اجتناب‌ناپذیر توسعه اجتماعی-اقتصادی کشورهاست.

بر اساس این تعریف، مفهوم فقر به دو بخش «مطلق» و «نسبی» طبقه‌بندی می‌شود. خط فقر نسبی، شامل افراد و خانوارهایی است که درآمدشان کمتر از یک‌دوم میانه درآمدی جامعه است؛ این در حالی است که بر اساس تحلیل محاسبات درآمد هزینه خانوار در سال ۱۳۹۷، تعداد خانوارهایی که زیر این یک‌دوم میانه درآمدی قرار می‌گیرند، حدود ۲۴ درصد بوده است. خط فقر نسبی؛ به‌نوعی گویای وضعیت توزیع درآمدها در جامعه هم هست.

۲ درصد مردم کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند

در این راستا رئیس انجمن علمی اقتصاد سلامت ایران تحقیقاتی را انجام داده است که بر اساس آن ۲ درصد از ایرانیان زیر خط فقر شدید قرار گرفته‌اند. به گفته او خط فقر شدید یا کمرشکن عبارت از کسانی است که درآمد روزانه‌شان کمتر از یک دلار به نرخ محاسبات برابری قدرت خرید است. محاسبات موجود در این زمینه، حکایت از این دارد که کمتر از ۲ درصد جامعه ایران زیر این خط فقر شدید هستند. البته در برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه هدف‌گذاری شده بود که شمار افرادی که زیر خط فقر شدید هستند به صفر برسد و سیاست‌های حمایتی بتوانند آن‌ها را به‌طور کامل پوشش دهد.

محمدرضا واعظ مهدوی، با اشاره به خط فقر نسبی، تصریح می‌کند: خط فقر نسبی عبارت از کسانی است که درآمدشان کمتر از یک‌دوم میانه درآمدی باشد. بر اساس تحلیل محاسبات درآمد هزینه خانوار، در سال ۱۳۹۷ میانه درآمدی حدود ۳۰۹ میلیون ریال محاسبه می‌شود که یک‌دوم میانه درآمدی حدود ۱۵۴ میلیون ریال خواهد بود و تعداد خانوارهایی که زیر این یک‌دوم میانه درآمدی قرار می‌گیرند، حدود ۲۴ درصد خانوارهای جامعه خواهند بود.

به نفع ثروتمندان، به ضرر فقرا

حالا دیگر همه ما خوب می‌دانیم پایین آمدن قدرت خرید و کوچک شدن سفره خانواده یعنی چه. به گفته کارشناسان در شرایط تورمی فردی که ماهیانه سه میلیون تومان حقوق دریافت کند؛ اگر گوشت کیلویی ۱۰۰ هزار تومان باشد، قدرت خرید حقوق ماهیانه او به اندازه ۳۰ کیلو گوشت خواهد بود، اما اگر گوشت کیلویی ۱۲۰ هزار تومان قیمت داشته باشد، قدرت خرید فرد فقط برای خرید ۲۵ کیلوگرم پاسخگو خواهد بود، یعنی ۵ کیلوگرم گوشت از قدرت خرید او کم شده است. بالعکس نیز، به‌طور مثال در شرایطی که ۲۰ درصد تورم در جامعه وجود دارد، اگر فردی ملک یا سرمایه‌ای داشته باشد که ۱۰ میلیارد تومان ارزش داشته باشد، ۱۰ میلیارد تومان ملک به ۱۲ میلیارد تومان می‌رسد؛ یعنی قدرت خرید فرد ۲ میلیارد تومان افزایش می‌یابد، به‌همین دلیل است که سیاست‌های تورمی به زیان فقرا است و ارزش سرمایه و ثروت ثروتمندان را بیشتر می‌کند.

خط فقر شدید یا کمرشکن عبارت از کسانی است که درآمد روزانه‌شان کمتر از یک دلار به نرخ محاسبات برابری قدرت خرید است. محاسبات موجود در این زمینه، حکایت از این دارد که کمتر از ۲ درصد جامعه ایران زیر این خط فقر شدید هستند

تورم علاوه بر اثر منفی بر قدرت خرید دستمزدبگیران و افزایش فقر، باعث پیدایش مجموعه‌ای از استرس‌ها و رفتارهای ناهنجار اجتماعی نیز می‌شود. در شرایط تورمی افراد امید به آینده خود را از دست می‌دهند؛ به‌طور مثال پدری که برای ازدواج فرزندش پس‌انداز کرده، قدرت مالی پس‌اندازهای خود را از دست می‌دهد و ناگهان متوجه می‌شود که توان تهیه جهیزیه دخترش را ندارد، درنتیجه مستاصل می‌شود و ممکن است برای حفظ آبروی خود به اقدامات خلاف روی آورد مثلا در کار خود رشوه بگیرد و گرفتار فساد شود، لذا فساد از پدیده‌هایی است که در شرایط تورمی رخ می‌دهد.

نزول ۸ میلیون ایرانی به طبقه متوسط پایین

در این مدت اما بسیاری از افراد جایگاه مالی خود را از دست داده‌اند و به جایگاه پایین‌تری نزول کرده‌اند.

بر اساس مقاله‌ای از محمدجواد صالحی اصفهانی، اقتصاددان، تا قبل از آغاز تحریم‌ها در سال ۲۰۱۰ درآمد سرانه ایرانی‌ها روند صعودی داشت، اما از آن سال به بعد درآمد سرانه نزولی شده است. این روند نزولی با افزایش تحریم‌ها تشدید شده و در دو سال گذشته و با خروج دونالد ترامپ از برجام و افزایش بی‌سابقه تحریم‌ها به اوج خود رسیده است. بر این اساس، در حالی که برخی برآوردها (از جمله برآورد نهادهایی مانند مرکز پژوهش‌های مجلس) از قرارگیری حدود نیمی از جمعیت ایران زیر خط فقر حکایت دارند، برخی برآوردها (از جمله محاسبات نه‌چندان به‌روز شده بانک جهانی) جمعیت زیر خط فقر در ایران را حدود ۱۰ درصد تخمین می‌زند.

بر اساس داده‌های این پژوهش، تحریم‌ها بر شهروندان ایرانی به شکلی یکسان تأثیر نگذاشته است. بر این اساس، خانوارهای روستایی، اصلی‌ترین زیان‌دیدگان تحریم‌ها در طول بیش از یک دهه گذشته بوده‌اند. اما شوک‌آورترین موضوع به رشد نرخ فقر مربوط می‌شود. به نوشته صالحی اصفهانی، از سال ۲۰۱۰ میلادی به این سو، نرخ فقر در مناطق روستایی ۲ برابر شده و در مناطق شهری هم ۶۰ درصد رشد داشته است. این در حالی است که ایران موفق شده بود در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی، نرخ فقر در کشور را از ۲۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش دهد، روندی که با آغاز تحریم‌ها، متوقف و سپس معکوس شد. به‌این ترتیب، از سال ۲۰۱۱ میلادی به این سو، حدود ۸ میلیون شهروند ایرانی که در «طبقه متوسط» دسته‌بندی می‌شدند، به «طبقه متوسط پایین» منتقل شده‌اند.

یک عقب‌گرد ۱۷ ساله جانانه به خاطر تحریم‌ها

داده‌های دیگری که در این گزارش به آن‌ها اشاره‌شده نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، متوسط استاندارد زندگی در میان شهروندان ایرانی، ۱۷.۷ درصد افت کرده است. به‌این ترتیب، مصرف سرانه در ایران در پایان سال ۲۰۱۹، به سطح سال ۲۰۰۲ برگشته است. به عبارتی در سال ۲۰۱۹، سطح مصرف مردم ایران معادل سال ۲۰۰۲ است. یعنی حدود ۱۷ سال به عقب برگشته است. یک دهه تحریم، موجب بروز احساس «عقب ماندن» از شهروندان سایر کشورها در میان ایرانی‌ها شده‌است.

بااین‌همه، آن‌چنان که این گزارش تأکید می‌کند، تمام این کاهش ۱۷.۷ درصدی را نمی‌توان معلول تحریم‌ها دانست، چراکه در فاصله زمانی مورد بررسی، ایران دو مرتبه (در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴) شاهد افت قیمت نفت صادراتی خود بوده است و این رخدادها هم در کاهش سطح استاندارد زندگی ایرانی‌ها تأثیر داشته‌اند. این داده‌ها از این جهت با اهمیت هستند که به‌طور معمول، طی همین مدت استاندارد زندگی در میان شهروندان کشورهای اطراف (شهروندان ترکیه، جمهوری آذربایجان و گرجستان) رشد داشته است. درواقع، احساس عمومی «عقب‌افتادن» در میان ایرانی‌ها را شاید بتوان به همین موضوع ارتباط داد.

چنان که گفته شد، ضربه وارد شده به اقشار مختلف شهروندان ایرانی براثر اعمال تحریم‌ها، متفاوت بوده است. آن‌چنان که گزارش صالحی اصفهانی نشان می‌دهد، پس از افت قیمت نفت در سال ۲۰۰۸ میلادی که بلافاصله با اعمال تحریم‌ها همراه شد، متوسط مصرف در تهران تقریباً ثابت ماند و این در حالی بود که در مناطق روستایی، حدود ۳۰ درصد و در دیگر مناطق شهری در کشور هم حدود ۱۱.۶ درصد کاهش پیدا کرد.

از طرف دیگر، سهم مشاغل به اصطلاح «یقه‌سفید» در تهران بالاتر و حمایت‌های مالی دولت از این مشاغل هم بیشتر است. علاوه بر این، آن‌چنان که این گزارش اضافه می‌کند از آنجا که استان‌های دیگر در کشور از نظر جغرافیایی و سیاسی فاصله بیشتری با مرکز دارند، منابع کمتری هم در مقایسه با مرکز دریافت می‌کنند و این موضوع، با روی کار آمدن دولت حسن روحانی افزایش هم پیدا کرده است.

نمی‌دانیم چه کسی فقیر است

طبق قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی محاسبات مربوط به خط فقر باید هرساله توسط وزارت رفاه و سازمان برنامه‌وبودجه تهیه و نتایج آن اعلام و منتشر شود که لازمه آن این است که وضعیت خانوار و محاسبات دقیق خط فقر در سطح ملی و استانی و حتی شهرستان‌های کشور انجام شود، اما چنین محاسبات و گزارش‌هایی اکنون وجود ندارد. در این میان نخستین مسئله‌ای که به ذهن متبادر می‌شود، این است که دولت و سایر دستگاه‌های مسئول باید برای حمایت از خانواده‌های کارگری فقیر طرح و برنامه‌ای را اجرا کنند. اما اجرای این طرح، نیازمند داشتن اطلاعات درآمدی دقیق و اطلاعاتی درباره جمعیت فقیران است. این در حالی است که نهادهای رسمی اطلاعات دقیقی در این باره ندارند.

در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، متوسط استاندارد زندگی در میان شهروندان ایرانی، ۱۷.۷ درصد افت کرده و به این ترتیب، مصرف سرانه در ایران در پایان سال ۲۰۱۹، به سطح سال ۲۰۰۲ برگشته است

بر اساس آخرین برآوردهای صورت گرفته در سال ۱۳۹۸، دست‌کم ۶۰ درصد خانوارهای دهک اول درآمدی و ۸۳ درصد خانوارهای دهک دوم درآمدی زیر پوشش هیچ‌کدام از نهادهای رسمی نیستند. از سوی دیگر، برنامه‌های حمایتی دولت از اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد، بیشتر معطوف به منابع اطلاعاتی نهادهایی همچون کمیته امداد، بهزیستی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. اطلاعاتی که بارها معلوم شده است دقت کافی را ندارد. کما اینکه گزارش «یارانه‌های پیدا و پنهان» که سازمان برنامه‌وبودجه کشور منتشر کرد، حکایت از آن داشت که نزدیک به ۶۰ درصد کم‌درآمدترین خانوارهای ایرانی زیر پوشش هیچ‌کدام از سازمان‌های حمایتی نیستند و مستمری دریافت نمی‌کنند.

این گزارش تصریح می‌کند که ۲۲ درصد مستمری‌بگیران کمیته امداد و بهزیستی از دهک‌های درآمدی بالا هستند و درواقع هیچ نیازی به این کمک‌ها ندارند، اما از این رانت استفاده می‌کنند. این آمارها نگرانی‌های زیادی را درباره وضعیت اقشار آسیب‌پذیر ایجاد کرده است؛ نگرانی‌هایی که اکنون باوجود تورم افسارگسیخته و تبعات اقتصادی شیوع کرونا، نسبت به گذشته بسیار جدی‌تر شده‌است.

گزارش

به بهانه هشت مارس، روز جهانی زن مطرح شد:

سهم ۱۶ درصدی زنان از بازار کار ایران

یک عضو شورای شهر تهران با بیان به اینکه در آستانه ۸ مارس «روز جهانی زن» قرار داریم به پست مدیریتی ۷۲۰ زن در شهرداری تهران اشاره کرد و گفت: نتوانستیم به یک رویکرد واحد نسبت به زنان دست یابیم. به گزارش ایسنا، زهرا نژادبهرام بیان کرد: ۴۰ واندی سال می‌گذرد از آن هنگامی که سازمان ملل متحد این روز را به نام «روز سازمان ملل متحد برای حقوق زنان و صلح جهانی» نام‌گذاری کرد. هدف از این نام‌گذاری، به‌رسمیت شناختن نقش زنان در تلاش‌های صلح و توسعه و پایان دادن به تبعیض‌های جنسیتی و افزایش حمایت از مشارکت کامل و برابر زنان در کشورهای عضو است. به یاد داشته باشیم که این نام‌گذاری‌ها بیش از آنکه برای حمایت صوری از زنان باشد، باید بستر ساز دستیابی برای تحقق حقوقی برابر با مردان در همه عرصه‌ها باشد. برای رسیدن به این منظور باید به‌طور مداوم مشکلات فراروی زنان رصد شود. او تصریح کرد: سهم زنان از بازار کار ایران حدود ۱۶ درصد است و ۲۵۷ سال نیاز داریم تا سطح دستمزد زنان با مردان برابری کند. دردآور است که به‌رغم به دست داشتن بیش از ۵۰ درصد از کرسی‌های دانشگاهی برای زنان تنها حدود ۳۰ درصد از آنان هیأت علمی هستند.

رتبه ۱۴۸ ایران در شکاف جنسیتی

او افزود: بر اساس گزارش شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۲۰، دنیا هنوز ۱۰۰ سال تا دستیابی کامل به برابری جنسیتی راه در پیش روی خود دارد. این برآورد ما حاصل بررسی چهار شاخص مشارکت اقتصادی، امکانات آموزشی، بهداشت و توانمندسازی سیاسی است اگرچه وضعیت ایران در دو شاخص امکانات آموزشی و بهداشت امیدوار کننده و رو به رشد است؛ اما در کمال تأسف باید بگویم رتبه کلی ایران ۱۴۸ از ۱۵۳ کشور مورد بررسی است و حتی در کشورهای منطقه و شمال آفریقا رتبه ۱۶ از ۱۹ کشور را دارد. پیام این آمار برای ما این است که برای نزدیک شدن به صدر جدول و کاهش شکاف جنسیتی در ایران باید روی دو شاخص مشارکت اقتصادی و توانمندسازی سیاسی متمرکز شویم.

گره کار کجاست؟

این عضو شورا اعلام کرد: نگران کننده است که سهم مدیریتی کشور کمتر از ۵ درصد است. مگر نه این است که بیش از ۸۵ درصد زنان ایران باسواد هستند پس چرا بیش از دو میلیون زن سرپرست خانوار ثبت‌شده به دنبال کار در مشاغل پایین دستی هستند؟ نژادبهرام تأکید کرد: سهم زنان از مجلس شورای اسلامی تنها ۴ درصد است!؟ گره کار کجاست؟ زنانی که بار جنگ تحمیلی هشت‌ساله را با از دست دادن فرزندان و همسران خود تحمل کردند و پاسدار تمامیت ارضی این سرزمین بودند. چگونه است که بعد از گذشت ۱۰ سال لایحه امنیت زنان به مجلس می‌رود، اما اعلام وصول نمی‌شود؟ گره کجاست؟! چگونه است که با تحول انقلابی در جریان سیاسی اصلاح‌طلبی از سال ۹۴ به بعد بیش از ۳۰ درصد سهمیه لیست‌ها به زنان اختصاص یافته اما آثار

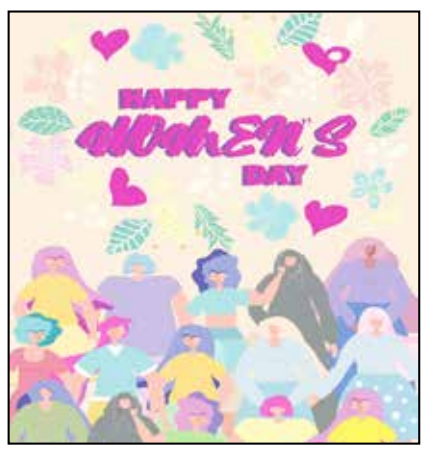

آن در بدنه مجلس و هیأت رئیسه و کمیسیون‌ها قابل مشاهده نیست؟ گره کجاست؟ چگونه است که از میان ۲۹۴ حزب و تشکل سیاسی به جز احزاب زنانه تنها یک حزب دبیرکل زن دارد آن هم به دلیل بیماری دبیرکل آن! گره کار کجاست؟ چگونه است که از میان ۳۳ هزار دهدار تنها ۲۵۰۰ تن زن هستند حدود هفت درصد و از میان ۱۳۰۰ شهردار تنها ۱۰ تن زن هستند. از میان ۱۰۹ هزار عضو شورا در شهر و روستا تنها ۲۸۰۰ تن زن هستند گره کار کجاست؟ نژادبهرام تأکید کرد گره آنجاست که هنوز نتوانستیم در سایه جمهوریت نظام سیاسی کشور و اسلامیت آن به یک رویکرد واحد نسبت به زنان دست یابیم، گره آنجاست که خوانش‌های متعدد از اسلام فرصت‌های ابراز نظر دارند و سردرگمی به دلیل نداشتن یک رویکرد مشخص نسبت به زنان سکان مدیریتی را گاهی بر این عرصه می‌برد و گاهی بر آن عرصه! گره آنجاست که گروه‌ها و احزاب سیاسی و حاکمیتی هنوز در بستر فضای نامشخص؛ تکریم زنان را تنها در حفاظت می‌دانند نه در حرکت و تحول! دستورالعمل‌ها همه در جهت حفاظت است آن هم از نوع حمایت! آن هم در جداسازی! آن هم در ندیدن استعدادها!! آن هم عدم باور به نقش یگانه زن در تربیت جامعه! آن هم در عدم باور به ضرورت استقلال زنان برای به دوش کشیدن بار تربیتی جامعه! واقعیت این است که رفع شکاف جنسیتی نیازمند حمایت و برنامه‌ریزی تمام‌قد تمامی ارکان جامعه است. تمامی نهادها و مجموعه‌ها همچون جزئی از یک پازل کلان باید رفع شکاف جنسیتی را سرلوحه کار خود قرار دهند تا ایرانی اسلامی و رو به رشد و توسعه را تجربه کنیم.

نقش زنان در ایجاد جامعه‌ای شاد و سالم

این عضو شورای شهر تهران در بخش دیگری از صحبت‌های خود تأکید کرد: ما مدیریت شهری پایتخت را در حالی به دست گرفتیم که بر اساس رنکینگ بین‌المللی مؤسسه لگاتوم رتبه ایران ۱۰۸ از ۱۴۹ بود و امروز در سال آخر فعالیت رتبه ۱۱۹ از ۱۶۷ را داریم. شاخص‌های لگاتوم به ما می‌گوید مرفه‌ترین کشورها آن‌هایی نیستند که تولید ناخالص داخلی بالایی دارند، بلکه کشورهایی هستند که شهروندانشان شاد، سالم و آزاد هستند؛ شهروندانی که احساس رضایت از زندگی و خوشبختی دارند. بی‌تردید نقش زنان به‌عنوان مادران شاد، همسران بانشاط، دختران موفق و... در این رنکینگ نقش مهمی ایفا می‌کند. دقیقه همین جاست که نقش و مسئولیت مادر مدیریت شهری پایتخت علی‌رغم شرایط سخت و دشوار حاکم بر جامعه پررنگ‌تر می‌شود.

از گوشه و کنار

تایید خونریزی پزشک ایرانی پس از تزریق واکسن روسی

مدیرکل روابط عمومی وزارت بهداشت گفت: یکی از همکاران پزشک ما در گناباد پس از تزریق واکسن روسی دچار علائم گوارشی و در مدفوع او خون دیده شد. کیانوش جهانپور افزود: به طور کلی هر واکسنی دارای عوارضی است و این موضوع بعید و دور از انتظار نیست؛ اما بروز علایم گوارشی پس از تزریق واکسن بسیار نادر است، اما بعید نیست. وی تأکید کرد: در حال حاضر بروز عوارض گوارشی در همکار پزشک در حال بررسی است و هنوز مشخص نیست که این عوارض مربوط به تزریق واکسن است یا نه. لازم به توضیح است که روزهای گذشته اخباری مبنی بر خونریزی داخلی شدید پزشک ایرانی پس از تزریق واکسن اسپوتنیک در شهر گناباد، منتشر شده بود که حکایت از بستری شدن این پزشک در بیمارستان داشت.

شش پایه شدن مقطع ابتدایی به نظام آموزشی ضربه وارد کرد

دبیرکل شورای عالی آموزش‌وپرورش گفت: برخی اقدامات استراتژیکی عملیاتی شد اما به‌نظام آموزشی ضربه زد و از جمله آن‌ها می‌توان به شش‌پایه شدن دوره ابتدایی در آغاز اجرای سند اشاره کرد. به گزارش ایسنا، محمود امانی طهرانی اظهار کرد: آن پایه ششمی که تعریف شد، آن ششمی نبود که مدنظر باشد و ما کلاس پنجمی‌ها را به پایه ششم بیاوریم. بلکه قرار بود به دوره اول ابتدایی یعنی پایه‌های اول و دوم ابتدایی یک پایه اضافه کنیم و سه‌پایه در دوره اول ابتدایی داشته باشیم که در این صورت پیش‌دبستانی تحت پوشش قرار می‌گرفت و پایه یادگیری محکم‌تر گذاشته می‌شد. امانی ادامه داد: اگر این اتفاق می‌افتاد، اهداف ما برای تقویت آموزش پایه محقق و دوره نابی می‌شد. در این صورت یک دوره ابتدایی سبک‌تر با احساس موفقیت بیشتر داشتیم، اما یک مرتبه دوره سنگین‌تری ایجاد شد و مشکلاتی درباره نقل‌وانتقال معلم به ابتدایی و کمبود فضا و غیره پیش آمد.

کمک ۵ میلیاردی شهرداری تهران به زلزله‌زدگان سی سخت

اعضای شورای اسلامی شهر تهران به لایحه کمک ۵ میلیاردی شهرداری تهران به زلزله‌زدگان سی سخت، رأی مثبت دادند. به گزارش مهر، ابراهیم امینی، نایب‌رئیس شورا با اشاره به ارسال بخشی از کمک‌های مدیریت شهری تهران طی روزهای گذشته به مناطق زلزله‌زده افزود: باتوجه به زلزله ۶/۵ ریشتری شهرستان دنا به که منجر به ورود خسارت به قریب به ۴۰۰۰ واحد مسکونی شد که از این میان حدود ۱۰۰۰ واحد نیاز به بازسازی ۶۰ تا ۱۰۰ درصدی دارند، همچنین ورود خسارات جدی به زیرساخت‌های آموزشی، ارتباطی و خسارت بالغبر ۱۰۰۰ میلیارد ریالی به بخش‌های کشاورزی، شیلات، دامداری و باغات این شهرستان پیشنهاد اعضای شورای اسلامی شهر تهران برای کمک شهرداری تهران به قید دو فوریت مطرح با امضای اعضا شده است.

دیوار ۴۰۰ ساله تهران در آستانه تخریب

عضو شورای شهر تهران با اشاره به اینکه دیوار ۴۰۰ ساله تهران در ضلع جنوب‌غربی بازار در حال نابودی و تخریب است، گفت: حفظ این اثر تاریخی از بسیاری از پروژه‌های پایتخت مهم‌تر است. به گزارش فارس، احمد مسجدجامعی ادامه داد: این دیوار در حصارکشی عصر ناصری نابود شد و فقط بخشی از آن در ضلع جنوب‌غربی بازار تهران باقی‌مانده است که در حال حاضر در آستانه تخریب قرار گرفته است.